

پیشنهادهای به‌آفرید

Accept: «پذیرفتن»

پیشنهاد: پذیرش

توجیه: معمولاً روی دکمه‌ها از اسم مصدر به جای خود مصدر استفاده می‌شود مگر اینکه از اسم مصدر معنی دوم فعل استنباط شود: (مثل ساختن و سازش که اولی به معنی ساختن چیزی و دومی به معنی دست‌به‌یک‌ی کردن یا صلح است).

Add: «جمع زدن»

پیشنهاد: افزودن (برای increase افزایش)

توجیه: معادل «جمع‌زدن» تنها در محاسبات ریاضی به کار می‌رود. و آن هم معمولاً به صورت addition است. در سایر موارد چیزی به فهرست یا سیاه‌ای می‌افزاییم. در این گونه موارد استفاده از «جمع‌زدن» بی‌معنی است.

Alignment: تراز کردن

پیشنهاد: تراز یا هم‌ترازی

توجیه: Alignment اسم است و نه «مصدر» بدون to (بن فعل). مثلاً می‌گویند Alignment ش را چک کن. معنی آن این است که هم‌ترازی‌اش را با سایر عناصر چک کن. نه «تراز کردن» ش را.

Analyzer: تحلیل‌کننده

پیشنهاد: تحلیلگر.

توجیه: اولاً تحلیل‌کننده زیادی دراز است. دوم اینکه باید تکلیف با اسم فاعل‌ها روشن شود. پیشنهاد من این است که تمام اسم‌فاعل‌ها با پسوند er یا or به معادل فارسی با پسوند «گر» ترجمه شوند.

Anonymous: بی‌نام

پیشنهاد: گمنام

توجیه: بی‌نام باید معادل nameless یا unnamed به کار رود. کسی که anonymous است نام دارد. یعنی بی‌نام نیست. منتهی نامش بر ما یا دیگری مشخص نیست.

Applet: برنامه‌ک

پیشنهاد: برنامه‌چه

توجیه: معمولاً در زبان فارسی صحیح هنگام چسباندن کاف تصغیر به حرکت، حرکت را نمی‌اندازند و آن را تبدیل به گ می‌کنند. در متون قدیمی هم آمده‌است. جوجگک = جوجه کوچک. بنابراین باید گفت برنامه‌گک که خیلی دراز می‌شود. اما در گذشته هنگام وصل «چه» تصغیر (دریاچه) ه بیان حرکت را انداخته‌اند. تقدیم‌نامه‌چه.

attacker: مهاجم

پیشنهاد: حمله‌گر: حمله‌کننده.

توجیه: مهاجم معادل invador است و نه attacker. در بالا هم خودتان attack را «حمله» معنی کرده‌اید و نه «هجوم».

backslash: ممیز وارون

پیشنهاد: ممیز چیه/چپکی

توجیه: وارون را موقعی به کار می‌برند که چیزی به جای ایستادن روی سرش روی پایش بایستد. یا سیر به جای اول به آخر از آخر به اول باشد. چپکی و تا حدی چیه همان چیزی است که در زبان عامیانه به آن «اینورکی» می‌گوییم. و هنگامی است که جای چپ و راست عوض می‌شود. و نه بالا و پایین. گرچه ممیز وارون و ممیز چیه یک شکل‌اند ولی از آنجا که جهت نوشتن افقی است «چیه» بهتر است. اگر خط چینی یا ژاپنی بود که از بالا به پایین

می‌نوشتیم وارون بهتر بود.

Bit rate: میزان ارسال بیت

پیشنهاد: نرخ بیت.

توجیه: اول اینکه نرخ به جای rate کاملاً جا افتاده‌است. دوم اینکه آنچه شما نوشته‌اید در بهترین حالت ترجمهٔ transmission bit rate است و نه bit rate.

Bold: توپر

پیشنهاد: پررنگ

توجیه: توپر را برای solid در مقابل توخالی برای hollow به کار ببرید.

boldface: حروف سیاه

پیشنهاد: «حروف پررنگ»

اگر معادل را قبول ندارید «حروف توپر».

توجیه: وقتی bold را یک‌بار ترجمه کرده‌اید چرا یک‌بار دیگر چیز دیگری ترجمه‌اش می‌کنید؟

bounce: واگشت

پیشنهاد: واخورد

توجیه: با اینکه پیشنهاد فرهنگستان است ولی خب نظرم را می‌نویسم. چون حرصم گرفت. اصطلاح «واخوردن» در حال حاضر حداقل برای چک به کار می‌رود و در انگلیسی هم برای واخوردن چک bounce می‌گویند. چرا کلمهٔ جدید وارد می‌کنند؟

bug: اشکال

پیشنهاد: خرفسُتر یا خَسُتر

توجیه: کلمهٔ bug در فرهنگ رایانه برای اشکالات ریز و احياناً اعصاب‌خردکن به کار می‌رود. و یک معنای تازه‌است. اشکال را برای problem نگه دارید. بهتر است ما هم کلمه‌ای جدید برای این کار استفاده کنیم و بار اضافه بر دوش کلمات موجود نگذاریم. کلمهٔ خرفسُتر در زبان پهلوی یا خستر در زبان فارسی در کیش زرتشتی به جانوران و حشرات مودی‌ای اطلاق می‌شود که کشتن آنها ثواب دارد!! این کلمه(ها) به طرز عجیبی با موضوع در اینجا همخوانی دارند. واقعاً حیف است که کلمه‌های به این مناسبی را ول کنیم. تازه خود bug هم در انگلیسی به معنی سوسک است!

Build: ساختن

پیشنهاد: ساخت و ساختن بسته به موضوع.

اگر روی دکمه نباشد. ساخت. build فلان تاریخ = ساخت فلان تاریخ.

Button: دکمه

پیشنهاد: دکمه

توجیه: با کاف معمول‌تر است.

Compatible: همساز

پیشنهاد: سازگار (می‌دانم consistent را سازگار ترجمه کرده‌اید به آن هم خواهیم رسید).

توجیه: پایین‌تر...

consistent: سازگار

پیشنهاد: همخوان

توجیه: سازگاری را معمولاً برای دو شیء یا دو شخص می‌گویند. consistent برای مفهوم یا عمل به کار می‌رود. زن و شوهر سازگارند. این عمل با فلان عمل همخوانی دارد.

controller: کنترل کننده

پیشنهاد: مهارگر

توجیه: وقتی فرهنگستان «مهار» را برای کنترل انتخاب کرده چرا شما باز کنترل استفاده می‌کنید. در مورد گر و کننده هم توضیح داده‌ام.

correlation: همبستگی

پیشنهاد: هم‌بستگی

توجیه: در این مورد نچسباندن «هم» واجب است. (در صورت عدم تصویب نیم‌فاصله باید با فاصله مجازی نوشته شود و در غیر این صورت با نیم‌فاصله). چون همبستگی سرهم به معنی «اتحاد» است.

crash: فروپاشی

پیشنهاد: فروریزی

توجیه: فروپاشی به معنی تجزیه و/یا disintegration به کار می‌رود. مثلاً می‌گویند فروپاشی هسته‌ای. فروریزی هنگامی است که یک بنا یا یک سازه به خاطر مشکلاتی فرو می‌ریزد. پس ساختمان یا برنامه فرو نمی‌باشد فرو می‌ریزد.

critical: بحرانی

پیشنهاد: بحرانی/حیاتی

توجیه: در بسیاری از مواقع critical برای اشاره به اهمیت و اینکه بدون آن کار صورت نمی‌گیرد به کار می‌رود. در این موارد «بحرانی» درست نیست. نمونه: It is a critical component.

Custom window: پنجره سفارشی

پیشنهاد: پنجره به کام

توجیه: در پایین....

Customize: سفارشی کردن

پیشنهاد: به کام‌سازی

توجیه: خود کلمه «سفارش» معادل order است. شما چیزی را سفارش می‌دهید و بنا به سفارش ممکن است برایتان customize کنند. چیز سفارشی: می‌شود specially ordered یا مفهومی شبیه آن. نه customized. مثلاً می‌گویند پست سفارشی. ولی در آن نامه را برایتان customize نمی‌کنند.

Debug: اشکال زدایی

پیشنهاد: خرفستر/خستر کشی/یابی

توجیه: به Bug نگاه کنید.

Debugger: اشکال زدا

پیشنهاد: خرفستر/خستر گش/یاب

توجیه: به bug نگاه کنید. البته معادل دیگری هم هست به نام مارغن یا خرفسترغن. و این چوب‌دستی‌ای بوده‌است که موبدان زرتشیان با آن جانوران مودی (خرفستران) را می‌کشتند. شاید هم مارغن را برای bug-zilla نگه داریم.

Debugging: اشکال‌زدایی

پیشنهاد: خرفستر/خستر کشی/یابی
توجه: به Bug نگاه کنید.

Decrease: کاستن

پیشنهاد: کاهش

توجه: به خاطر add, باید increase را از افزودن به افزایش تغییر داد.
این برای همخوانی با آن است.